



University of Tabriz

# Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 14 Issue: 31

Summer 2023

Article Type: Research Article

Pages: 221-253

## Relationships between Litigation Costs and Principles of Fair Trial: A Comparative Study of Iranian and English Law

Pejman Mohammadi<sup>1✉</sup> | Khalil Ahmadi<sup>2</sup> | Milad Kianpourian Nejad<sup>3</sup>

1. Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran [p.mohamadi@modares.ac.ir](mailto:p.mohamadi@modares.ac.ir)
2. Associate Professor University of Shahid Chamran, Ahvaz, Iran [khalilahmadi56@gmail.com](mailto:khalilahmadi56@gmail.com)
3. Ph.D. Candidate in private law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran [ascu.lts@gmail.com](mailto:ascu.lts@gmail.com)

### Abstract

*The right to a fair trial includes a set of principles and rules guaranteeing the rights of the litigants during the trial, and the "amount", "responsibility" and "time" of the payment of the proceeding costs have many effects on the realization of these principles. The comparative study of the regulations governing the cost of proceeding in the three aforementioned fields in the laws of Iran and England is effective in providing a suitable standard for determining the amount, responsibility and time of paying the proceeding costs based on the principles of fair trial. The current research is a descriptive-analytical one with a comparative look at various documentary sources and studies in Iranian and English law. The right to equal access to justice is the beginning of fair trial and the high cost of proceedings is one of the obstacles to the realization of this principle. The principle of equality requires setting costs at a "reasonable and conventional" level. Auxiliary mechanisms such as legal aid cannot guarantee the realization of a fair trial and even if it can compensate economic inequalities, it disrupts another indicator of the quality of the trial, i.e., time, and causes the trial to be delayed. The result of prolonging the proceedings is a decrease in the accuracy of the court and dissatisfaction of the parties to the trial. Mere failure in a lawsuit cannot justify imposing costs on one of the litigants. The responsibility for payment of proceeding costs should be done according to fair criteria. Therefore, the trial costs should be collected at the right time so that, while providing the possibility of determining the proceeding costs in accordance with the lawsuit and the realization of the trial, the person responsible for paying the fees should also be determined.*

**Keywords:** *Proceeding costs, Fair trial, Access to justice, Time of payment, Responsible for payment, Principle of equality.*

Received: 2022/04/08 Received in revised form: 2023/01/25 Accepted: 2023/03/19 Published: 2023/06/26

DOI: 10.22034/LAW.2023.50910.3119

Publisher: University of Tabriz

[Tabrizulaw@gmail.com](mailto:Tabrizulaw@gmail.com)



## مناسبات میان هزینه دادرسی و اصول دادرسی منصفانه؛

### مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان

پژمان محمدی<sup>۱</sup> | خلیل احمدی<sup>۲</sup> | میلاد کیانپوریان نژاد<sup>۳</sup>

p.mohamadi@modares.ac.ir

khalilahmadi56@gmail.com

ascu.lts@gmail.com

۱. استاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

#### چکیده

**زمینه و هدف:** حق بر دادرسی منصفانه متضمن مجموعه اصول و قواعد تضمین کننده حقوق طرفین دعوا در طول دادرسی است و «میزان»، «مسئول» و «زمان» پرداخت هزینه دادرسی در تحقق این اصول آثار متعددی دارد. بررسی تطبیقی مقررات ناظر بر هزینه دادرسی در سه حوزه پیش گفته در حقوق ایران و انگلستان، در ارائه معیاری مناسب برای تعیین میزان، مسئول و زمان پرداخت هزینه دادرسی بر مبنای اصول دادرسی منصفانه مؤثر می‌افتد. **روش تحقیق:** پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با نگاه تطبیقی به منابع مختلف اسنادی و مطالعاتی در حقوق ایران و انگلستان تدوین یافته است. **یافته‌ها و نتایج:** حق دسترسی برابر به دادگستری سرآغاز دادرسی منصفانه، و بالا بودن میزان هزینه دادرسی از موانع تحقق این اصل است. اصل برابری، اقتضای تعیین هزینه‌ها در سطحی «معقول و متعارف» را دارد. نهادهای ارفاقی مانند معاضدت‌های قضایی و قانونی نمی‌توانند تحقق یک دادرسی منصفانه را تضمین کنند و حتی اگر بتوانند نابرابری‌های اقتصادی را جبران نمایند، شاخص دیگر کیفیت دادرسی یعنی زمان را مختل کرده، موجب اطاله دادرسی می‌شوند. نتیجه اطاله دادرسی نیز کاهش دقت دادگاه و نارضایتی طرفین دعوا از دادرسی است. صرف شکست در دعوا نمی‌تواند توجیه کننده تحمیل هزینه‌ها به یکی از اصحاب دعوا باشد و مسئولیت پرداخت هزینه‌های دادرسی باید با لحاظ ملاک‌های عادلانه صورت گیرد. این ملاک‌ها در هر دعوا می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین هزینه دادرسی باید در زمان مناسبی اخذ شود تا ضمن فراهم آوردن امکان تعیین هزینه دادرسی به تناسب دعوا و تحقق دادرسی، مسئول پرداخت هزینه‌ها نیز مشخص شود.

**واژگان کلیدی:** اصل برابری، دادرسی منصفانه، دسترسی به دادگستری، زمان پرداخت، مسئول پرداخت، هزینه دادرسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2023.50910.3119

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

## مقدمه

در یک نگاه کلی، تمام اصول دادرسی مدنی را می‌توان بر مبنای عدالت توجیه کرد<sup>۱</sup> و قواعد دادرسی مدنی معیار کیفیت برخورداری شهروندان از عدالت است؛<sup>۲</sup> چنان‌که دادرسی کارآمد از جمله تضمین‌های عدالت مدنی است.<sup>۳</sup> نظر به اینکه دادرسی از مهم‌ترین روش‌های دستیابی به عدالت و نظم است، حقوق‌دانان دادرسی را از اعمال حاکمیتی دولت<sup>۴</sup> و از مصادیق بارز خدمات عمومی دانسته‌اند.<sup>۵</sup> حاکمیت نمی‌تواند این وظیفه ذاتی و منحصر به فرد خود را ارزش‌گذاری کرده، در معرض فروش گذارد؛ همان‌گونه که نمی‌تواند حقوقی مانند امنیت و آزادی را بنابر قدرت اقتصادی افراد ملت به شکل‌های متفاوت عرضه کند. از همین رو ذیل فصل سوم قانون اساسی در بیان حقوق ملت، به حق دادخواهی (اصل ۳۴) تصریح شده است. اما در نظام قضایی ما و از آغاز قانون‌گذاری نوین، دادرسی همواره متضمن هزینه‌هایی برای طرفین دعوا بوده است؛ هزینه‌هایی که از تشریفات مهم دادرسی بوده و رسیدگی به دعوا را منوط به خود کرده است. بر اصول جهان‌شمولی چون اصل دسترسی به دادگستری، اصل برابری در دادرسی، اصل تساوی سلاح‌ها و اصل رسیدگی در مدت معقول اثر گذاشته و اصول دادرسی منصفانه را متأثر ساخته است، تا آنجا که باید آن را از ارکان نظام دادرسی دانست.

هزینه دادرسی رکنی است انکارناپذیر در دادرسی که در تحقق عدالت مدنی<sup>۶</sup> به‌طور مستقیم بر صحت آرا و زمان دادرسی اثر گذاشته، رضایت طرفین دعوا از نظام قضایی را به خود معطوف می‌سازد. به هر میزان که هزینه دادرسی کمتر باشد و یا امکان بازگشت هزینه‌های پرداختی به خواهان دعوا فراهم باشد، به همان میزان نیز بر تعداد دعاوی

۱. مصطفی‌السان، *اصول دادرسی منصفانه مدنی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کامن‌لا)*، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱.  
 ۲. حسین داوودی، «ویژگی‌های قواعد شکلی (آیین دادرسی مدنی)»، *مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۱۷.  
 ۳. مجید پوراستاد و فاطمه حصارخانی، «تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌ها»، *تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ش ۲۸ (۱۳۹۴)، ص ۵۸.  
 ۴. سید محسن حسینی پویا، «بایسته‌های تفسیر مقررات مرتبط با هزینه دادرسی»، *وکیل منافع*، ش ۲ (۱۳۹۰)، ص ۸۰.  
 ۵. ناصر کاتوزیان، *مبانی حقوق عمومی*، (تهران: میزان، چ ۳، ۱۳۸۶)، ص ۱۷۱.  
 ۶. سید محسن حسینی پویا، «دادرسی؛ هزینه یا درآمد؟»، *وکیل منافع*، ش ۱۰ و ۱۱ (۱۳۹۲)، ص ۱۰.  
 ۷. مجید غمامی، «جستاری تطبیقی در اوصاف نظام دادرسی مطلوب»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۷ (۱۴۰۱)، ص ۱۵۴.

طرح شده افزوده می‌شود. در نتیجه، حجم پرونده‌ها بالا رفته، به طولانی شدن زمان دادرسی و در نهایت کاهش دقت و صحت در آرا منجر می‌گردد. در نقطه مقابل، افزایش هزینه دادرسی فراتر از حد معقول و متعارف آن، یا به طرح دعوی اعسار می‌انجامد که بر زمان دادرسی اثر می‌گذارد و کاهش کیفیت دادرسی را به دنبال دارد و یا مانع از دسترسی مردم به دادگستری می‌شود که در این صورت اساساً بحث صحت آرا یا زمان رسیدگی، محلی از اعراب نخواهد داشت. آثاری که مولود زمان پرداخت هزینه دادرسی است و شاید بتوان زمان پرداخت هزینه‌ها را مهم‌ترین مؤلفه در این باب دانست. ضمن آنکه لزوم پرداخت هزینه دادرسی در زمان طرح دعوا موجب تحمیل آن بر خواهان و نارضایتی او می‌شود و الزام خواننده به جبران خسارت وارده به خواهان به صرف شکست در دعوا، عدم رضایت او را در پی خواهد داشت.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی و مطالعاتی، با هدف تبیین موارد تقابل هزینه دادرسی با اصول دادرسی منصفانه و با نظر به حقوق انگلستان برای پاسخ به این پرسش اساسی که چه مناسباتی میان أخذ هزینه دادرسی و اصول دادرسی منصفانه وجود دارد و همچنین یافتن پاسخی برای این سؤالات که معیار تعیین هزینه دادرسی مؤثر چیست، مسئول پرداخت هزینه‌ها در نظام دادرسی منصفانه کیست و چه زمانی برای پرداخت‌ها مناسب است، با تقدیم مختصری در دلایل موافق و مخالف با هزینه دادرسی، تدوین شده و مشتمل است بر چهار بخش و یک نتیجه‌گیری.

## ۱. موافقان و مخالفان أخذ هزینه دادرسی

تصور حق برای یک شخص، مستلزم تصور تکلیف بر دیگری است و این دو مقوله همواره با هم ملازمه دارند. حق بر دادخواهی در قانون اساسی به‌عنوان یکی از حقوق ملت شمرده شده است و حق ملت جز تکلیف دستگاه حاکمه نمی‌تواند تکلیف دیگری را تداعی کند. دولت مکلف به عرضه حق آموزش و پرورش، حق دادخواهی و دیگر حقوق ملت به‌صورت رایگان و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی است. هدف از دادرسی تحقق عدالت است

و تشریفات شکلی دادرسی باید در خدمت این هدف قرار گیرد و نه در مقابل آن؛<sup>۸</sup> لذا نمی‌توان دادرسی را وسیله کسب درآمد برای دولت قرار داد. در عین حال، برخی بیان داشته‌اند: «مقصود از مجانی بودن محاکمه... آن است که طرفین متداعیین نباید غیر از آنچه که قانوناً معین شده است چیزی بدهند و احدی هم حق مطالبه دیناری غیر از آن نداشته باشد»<sup>۹</sup> و بسیاری از حقوق‌دانان نیز در حمایت از اقدام قانون‌گذار برای پیش‌بینی هزینه در قبال خدمات قضایی، ادله‌ای را ابراز داشته‌اند که هیچ‌یک خالی از ایراد نیست.

### ۱.۱. دلایل موافقان أخذ هزینه دادرسی

الف) تالی فاسد مجانی بودن دادرسی، افزایش دعاوی بیهوده<sup>۱۰</sup> و ضایع کردن اوقات دادگاه‌ها است که باید صرف رسیدگی به دعاوی مهم و اساسی مردم شود.<sup>۱۱</sup> در اقامه دعاوی مدنی، اصحاب دعوا فاکتورهای مختلف هزینه-فایده را در نظر می‌گیرند<sup>۱۲</sup>؛ توضیح آنکه خواهان دعوی مدنی با لحاظ صرفه اقتصادی اقامه دعا و توجه به هزینه‌های دادرسی، اگر نتیجه احتمالی دعوا را سودمند یافت، اقدام به طرح دعوا می‌نماید. اما چنانچه نتیجه دعوا بنابر احتمال، مقصود وی را حاصل ننماید یا اساساً امکان پیروزی در دعوا را برای خود متصور نباشد، از اقامه دعاوی ایذایی و واهی خودداری می‌کند. حال آنکه فقدان هزینه برای دادرسی، به خواهان، با هر میزان از احتمال پیروزی و حتی با علم به شکست قطعی در دعوا، اجازه طرح دعوا را می‌دهد، بدون آنکه در انتهای رسیدگی خسارتی را متوجه خود ببیند؛ لذا، یکی از مبانی مهم أخذ هزینه دادرسی، منع از طرح دعاوی واهی است.<sup>۱۳</sup>

ب) در خصوص تکلیف دولت به ارائه خدمات عمومی و اصل رایگان بودن اعمال حاکمیتی، باید گفت که رایگان بودن خدمات عمومی در زمانی که دولت‌ها کوچک و تکالیف

۸. سید محسن حسینی پویا، «بایسته‌های تفسیر مقررات مرتبط با هزینه دادرسی»، صص ۸۷-۸۹.

۹. مصطفی عدل، (منصورالسلطنه)، حقوق اساسی یا اصول مشروطیت، (تهران: بی‌نا، ۱۳۲۷)، ص ۳۶۸.

۱۰. جلال‌الدین مدنی، آیین دادرسی مدنی، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۰)، ص ۳۴۸.

۱۱. قدرت‌الله واحدی، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، (تهران: میزان، چ ۷، ۱۳۸۷)، ص ۳۹۲.

۱۲. علی مشهدی، «مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعاوی اداری، مورد پژوهی دیوان عدالت اداری»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۵۹ (۱۳۹۷)، ص ۲۲۶.

13. Richard Lewis "Litigation Costs and Before-the-Event Insurance: The Key to Access to Justice", *Modern Law*, Vol. 74 (2011), p. 273.

آنها در مقابل جامعه محدود بود، قابل دفاع به نظر می‌رسید. اما با گسترش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قوانین کشورها و توسعه تشکیلات اداری برای ایفای این حقوق و گسترش خدمات عمومی<sup>۱۴</sup>، باید از اصل یادشده فاصله گرفت. هرچند با توجه به اینکه هدف اعمال اشخاص حقوقی عمومی برخلاف اشخاص خصوصی، نه کسب درآمد و سودجویی، بلکه تأمین منافع عمومی و نیازهای همگانی است و یکی از ویژگی‌های خدمات عمومی ارزانی بهای آنها نسبت به خدمات خصوصی است، اما در کشور ما نیز همچون دیگر کشورها، اصل رایگان بودن خدمات عمومی تخصیص اکثر خورده و بسیاری از خدمات عمومی در ازای بها ارائه می‌شود<sup>۱۵</sup>. اینکه عملی در زمره خدمات عمومی بوده و بنابر مصالحی دولت ناگزیر از ارائه آن باشد، نافی امکان اخذ عوض در مقابل اعمال یادشده نخواهد بود<sup>۱۶</sup>. لذا افزایش روزافزون هزینه‌های دادگستری، مانند هزینه‌های نیروی انسانی و مستحقات، دریافت هزینه‌های دادرسی را توجیه می‌کند<sup>۱۷</sup>.

ج) برخی از حقوق دانان اخذ هزینه دادرسی را موجب توسعه بهره‌گیری از نهادهایی مانند داوری و سازش می‌دانند<sup>۱۸</sup> و این امر فشار وارده جهت دادرسی دولتی و عمومی را کاهش داده، زمینه‌ساز اصلاح فرهنگ حقوقی شهروندان می‌شود<sup>۱۹</sup>. اقامه هر دعوا علاوه بر اینکه هزینه‌هایی را بر طرفین تحمیل می‌کند، دولت را نیز به تحمل هزینه‌های گزافی و ادار می‌سازد. بنابراین، کاهش دعاوی به‌طور قطع می‌تواند از هزینه‌های دولت کاسته، به سود عمومی<sup>۲۰</sup> و افزایش تمرکز و کارایی دادگاه‌ها بینجامد. از جمله سیاست‌های کلان در جهت کیفیت اقتصادی دادرسی با توجه به هزینه‌های دادرسی، خصوصی‌سازی دادرسی به معنای تشویق به سازش و داوری یا حل و فصل اختلافات در خارج از دادگاه و تخصص‌گرایی

۱۴. محمدجواد رضایی‌زاده و داوود کاظمی، «بازشناسی نظریه خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۴۲.

۱۵. بیژن عباسی، مبینی حقوق عمومی (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۳)، ص ۳۰۲.

۱۶. مجید عارفعلی، «هزینه دادرسی مدنی، پیوند حقوق و اقتصاد»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۳۰۹ (۱۳۹۷)، ص ۲۵۲.

۱۷. مشهدی، پیشین، ۲۲۶.

۱۸. عبدالله خدابخشی، *حقوق دعاوی* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲)، ص ۱۰۶.

۱۹. عارفعلی، پیشین، ص ۲۵۴.

20. Steven Shavell, "the Fundamental Divergence between the Private and Social Motive to Use the Legal System", *Journal of Legal Studies*, Vol. 26 (1997), p. 577.

است.<sup>۲۱</sup> قانون گذار انگلستان با پیش‌بینی مرحله مقدماتی، به منظور مدیریت پرونده به صورت رایگان و خارج از دادگاه و تأثیر رفتار اطراف اختلاف در این مرحله بر رأی دادگاه، آنها را به سازش بدون مداخله دادگستری سوق می‌دهد. مرحله مقدماتی، به‌ویژه در دعاوی کوچک، بسیار کارگشا بوده، طرح این‌گونه دعاوی را در دادگاه به سطح بسیار چشمگیری کاهش داده است. قواعد دادرسی نباید به‌گونه‌ای تنظیم شود که به تمام افراد اجازه رسیدن مستقیم به مرحله محاکمه را بدهد و بهتر است که مرحله پیش‌محاکمه طراحی شود تا چنانچه دعاوی به صلح ختم نشد، پرونده برای محاکمه آماده گردد.<sup>۲۲</sup>

د) در جهت تقویت موضع موافقان، می‌توان استدلال کرد که کاهش تعداد دعاوی ورودی دادگاه‌ها از طریق ممانعت از طرح دعاوی واهی و فصل‌دعا با استعانت از روش‌های جایگزین دادگستری، موجب ارتقای سطح کیفی رسیدگی‌ها و افزایش سرعت در دادرسی و دقت در آرا می‌شود.

ه) نگاهی به مستندات قانونی هزینه دادرسی و مصوبات مختلف، مبنای دیگری برای اخذ هزینه دادرسی را عینیت می‌بخشد؛ مبنایی که می‌توان از آن به «درآمدزایی دولت» تعبیر نمود. در واقع، با بررسی مقررات مختلف، از جمله ماده ۳ ق.و، قوانین بودجه سالیان اخیر و بخشنامه‌های فراقانونی قوه قضاییه<sup>۲۳</sup>، این تصور ایجاد می‌شود که دولت برای تأمین منابع مالی خود و جبران کسری بودجه، دست بردن به جیب رو به تنگی نهاده مردمی را که یک مرتبه حق خود را تضییع یا انکار شده دیده‌اند و برای احقاق آن به دادگستری رجوع کرده‌اند، یکی از روش‌های قابل اتکا و سودآور دانسته است.

## ۲.۱. پاسخ به دلایل موافقان

الف) ایراد دیدگاه نخست آن است که هزینه دادرسی به همان میزان که می‌تواند مانع از طرح دعاوی واهی گردد، قادر است از اقامه دعاوی اشخاص محق نیز جلوگیری نماید. در

۲۱. پوراستاد و حصارخانی، ص ۷۰.

22. Catherine Elliot, Frances Quinn, *English Legal System* (London: Longman, 2000), p. 346.

۲۳. نک: بخشنامه‌های شماره ۹۰۰۰/۲۷۸۹/۱۰۰ و ۷۳۹/۳۵/۱۰۰ و ۹۰۰۰/۱۲۳۹۷/۱۰۰ و عجیب‌تر از اینها بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۴۴۶۳/۹۰۰.

واقع، هزینه دادرسی می‌تواند گامی به سوی سیستم قضایی سرمایه‌داری باشد، آنگاه که ثروتمندان به راحتی امکان طرح هرگونه دعوایی (اعم از واهی یا واقعی) را داشته باشند و فقرا با ناتوانی از پرداخت هزینه دادرسی، یا در راهروهای دادگستری به دنبال اثبات اعسار خود باشند و به اطلاع دادرسی تن دهند و یا ناامید از احقاق حق، از دادگستری روی برگردانند و از حق خود اعراض نمایند. ضمن آنکه تبصره ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م به دادگاه اجازه داده است تا در صورت احراز قصد خواهان بر طرح دعوای واهی، او را با جریمه معادل سه برابر هزینه دادرسی محکوم نماید و این مقرر مبنای جلوگیری از طرح دعوای واهی را تأمین می‌کند.

ب) خدشه وارد به دلیل دومی که ذکر شد این است که دولت هزینه خدمات عمومی را در قالب مالیات پیش از این از مردم اخذ نموده و دریافت هزینه دادرسی بر این مبنای واقع اخذ مجدد مالیات<sup>۲۴</sup> با عنوانی متفاوت و صوری است. ضمن آنکه دادرسی نه هدف است و نه ابزار کسب درآمد یا جبران هزینه، بلکه وسیله‌ای است در دستان حاکمیت برای برقراری عدالت و نظم عمومی. حکمت و مصالح عمومی و اجتماعی ایجاب می‌کند که دولت در این بخش نگاه اقتصادی خود را کنار بگذارد و از فرایند دادرسی انتظار درآمد و یا حتی جبران همه هزینه‌های دفتری را نداشته باشد<sup>۲۵</sup>. اعمال حاکمیت دولت نمی‌تواند تعطیل یا معلق به پرداخت هزینه شود<sup>۲۶</sup> و دادگستری نیز از جمله اعمال حاکمیتی و خدمات عمومی است<sup>۲۷</sup>.

ج) نظر سوم از دو جهت قابل نقد است: اول آنکه سوق دادن اشخاص به سمت نهادهای جایگزین دادگستری و حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه با پیش‌بینی هزینه دادرسی، در نظام‌های حقوقی که امکان مطالبه هزینه‌ها از طرف مقابل وجود ندارد شاید منطقی باشد و محقق گردد. اما در نظام حقوقی ما که به‌مانند حقوق انگلستان، طرف پیروز در دعوا می‌تواند هزینه‌های خود را از محکوم علیه بازستاند، چنین امری چندان عملی به‌نظر نمی‌رسد؛ چراکه خواهان با اعتقاد به پیروزی و با علم به بازیابی هزینه‌های خود، بدون

۲۴. عباس زراعت، *محتسای قانون آیین دادرسی مدنی* (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹)، ص ۹۶۹.

۲۵. عدل، پیشین، ۳۶۸.

۲۶. رضایی‌زاده و کاظمی، پیشین، ص ۳۰.

۲۷. ناصر کاتوزیان، *حقوق مدنی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)، ص ۱۰۶.



دغدغه به دادگستری مراجعه می‌کند و به دنبال روش‌های جایگزین برای پرهیز از هزینه‌ها نیست. بنابراین، سیستم هزینه‌ها نقش بسیار مؤثری بر انتخاب‌های خواهان در جهت تصمیم‌گیری در خصوص اقامه دعوا دارد.<sup>۲۸</sup> در این خصوص، اما میان نظام حقوقی ایران و انگلستان تفاوت دیگری وجود دارد که به کاهش پرونده‌های ورودی در دادگستری انگلستان و افزایش دعاوی فصل‌شده در نهادهای جایگزین انجامیده است و در ایران طرح دعاوی نزد محاکم دادگستری همچنان سیر صعودی دارد. در سیستم قضایی انگلستان، چنانچه دعوا در مرحله پیش‌محاکمه<sup>۲۹</sup> حل و فصل نشد و به دادگاه ارجاع یافت، دادگاه این اختیار را دارد که با در نظر گرفتن حسن نیت و اقدامات طرفین در مرحله پیش‌محاکمه و تلاش آنها در جهت مصالحه و سازش، از قواعد هزینه‌ها خروج کرده، تصمیمات دیگری بگیرد؛ از جمله آنکه نسبت به الزام محکوم‌علیه به پرداخت تمام یا بخشی از هزینه‌های محکوم‌له حکمی صادر نکند.<sup>۳۰</sup> دوم آنکه پیش‌بینی هزینه‌های دادرسی و افزایش احتمالی آن به منظور کاهش طرح دعاوی نزد دادگستری از طریق مراجعه دادخواهان به نهادهای غیردادگستری در مواردی موجب تحمیل داوری و سازش بر طرف ضعیف و پذیرش اکراهی این طریق می‌گردد.

د) در مورد کاهش پرونده‌های ورودی دادگستری نیز با توجه به پیش‌بینی دعاوی اعسار از هزینه دادرسی و حجم بالای دعاوی با این خواسته و استقبال کم طرفین دعوا از نهادهایی مانند داوری که غالباً ناشی از عدم اعتماد به نهادهای غیردولتی است، نه تنها از تعداد پرونده‌های دادگستری کاسته نمی‌شود، بلکه به آنها افزوده می‌شود یا دست کم در ازای همان تعداد دعاوی واهی که هزینه دادرسی مانع از طرح آن شده است، دعاوی اعسار نیز طرح می‌گردد. اگر در سیستم حقوقی انگلستان هزینه دادرسی در کاستن از دعاوی ورودی دادگاه‌ها نتیجه‌بخش بوده است به دلیل امکان اعمال نظر دادگاه در خصوص هزینه‌ها<sup>۳۱</sup> و

28. Steven, Shavell, "Suit, Settlement, and Trial, a Theoretical Analysis under Alternative Methods for the Allocation of Legal costs", *Economic and Law*, In Harvard Law School (2007), p. 5

29. Pre-Trial

30. CPR.r44.3

۳۱. بخش سوم از قاعده ۴۴، ضمن بیان قاعده تحمیل خسارات به محکوم‌علیه، در بند دوم به دادگاه اختیار اتخاذ تصمیمی متفاوت، حسب شرایط پرونده و رفتار طرفین را داده است. در بخش دوم از قاعده ۴۴، ارائه پیشنهاد سازش به طرف مقابل و سوءاستفاده اصحاب دعوا از حقوق خود (مانند حق طرح دعوا برای خواهان یا تقاضای تامین دعاوی واهی برای خوانده) از جمله مواردی معرفی شده که دادگاه در صدور دستور به جبران تمام یا قسمتی از خسارات به آن توجه می‌کند.

تأثیر رفتار طرفین دعوا در مراحل قبل از رسیدگی بر تصمیمات دادگاه<sup>۳۲</sup> و نیز پیش‌بینی سازوکاری غیرقضاتی برای معاضدت به واجدین شرایط است.<sup>۳۳</sup>

ه) در خصوص مبنای اتخاذی قانون‌گذار، حتی اگر بتوان درآمدزایی از دادگستری را پذیرفت، پیشی گرفتن از نرخ تورم در افزایش تعرفه‌ها قابل هضم نخواهد بود. در واقع، قوه قضاییه در راستای تحقق اهداف اقتصادی خود با هر بار افزایش نرخ تعرفه‌های خدمات قضایی به افزایش مضاعف آنها اقدام کرده است. قواعد دادرسی مدنی انگلستان دعوی را به سه دسته<sup>۳۴</sup> تقسیم و برای هر یک مسیر جداگانه‌ای با هزینه‌های مشخص ترسیم می‌نماید<sup>۳۵</sup> و با تعیین تعرفه ثابت در سقف مشخصی از خواسته، تغییر قیمت اموال را در تعرفه‌های خود بی‌اثر کرده است. به عبارت دیگر، افزایش قیمت اموال، فی‌نفسه موجب تغییر میزان هزینه دادرسی می‌شود؛ اما در حقوق ایران با پیش‌بینی تعرفه‌های متغیر، صرف افزایش نرخ تورم و تغییر قیمت اموال در افزایش هزینه دادرسی مؤثر خواهد بود و همین امر می‌تواند تکافوی نیازهای مالی قوه قضاییه به تناسب تغییر قیمت‌ها باشد. اما قوه قضاییه که پیشنهاددهنده تعرفه‌های خدمات قضایی در هر سال است، به این میزان از رشد درآمدها اکتفا نکرده و در کنار افزایش تبعی هزینه‌های دادرسی، با افزایش میزان تعرفه‌ها، در واقع تورمی جدای از تورم جاری در نظام اقتصادی کشور را خواستار است.

## ۲. تأثیر میزان هزینه دادرسی در تحقق اصول دادرسی منصفانه

باید پذیرفت که عدم پیش‌بینی هزینه برای دادرسی به همان میزان مشکلاتی را به وجود می‌آورد که بالا بودن آن. با این حال نباید از نظر دور داشت که اصل دسترسی به دادگستری مقدمه اجرای سایر اصول و شالوده یک دادرسی منصفانه است که بدون آن اساساً محملی برای طرح دیگر اصول باقی نمی‌ماند و قرار دادن هزینه دادرسی در مسیر دادخواهی می‌تواند

32. CPR.r44

۳۳. نک: منصور پورنوری، «معاضدت قضایی در انگلستان»، قضاوت، ش ۱۹ (۱۳۸۲)، ص ۵۵

34. 1) Small Claims Track

2) Fast Track

3) Multi-Track

35. CPR.r27-29

این اصل را مخدوش سازد. لذا نمی‌توان دادرسی را وسیله کسب درآمد برای دولت قرار داد<sup>۳۶</sup> و اعمال حاکمیت دولت نمی‌تواند تعطیل یا معلق به پرداخت هزینه گردد<sup>۳۷</sup>. در دادرسی‌ها، اصل بر کاهش هزینه اقتصادی و اشتباهات است<sup>۳۸</sup>، اما این امر به معنای حرکت به سمت رایگان شدن دادرسی نیست؛ در واقع، معقول و متعارف بودن هزینه‌ها را باید حد تعادل میان دو اعتقاد رایگان یا هزینه‌بر بودن دادرسی دانست<sup>۳۹</sup>. هزینه دادرسی از شاخص‌های کنترل کیفیت و سنجش کارایی نظام دادرسی منصفانه است که باید به صورت نظام‌مند و با رعایت معیارهای منطقی و بر مبنای ملاک‌های عقلانی و هدفمند تعیین گردد<sup>۴۰</sup>. در همین راستا بند ۲ قاعده ۱۰۱ از قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان<sup>۴۱</sup> مقرر می‌دارد:

«تا جایی که امکان دارد رسیدگی عادلانه به دعوا، شامل:

الف) تضمین برابری طرفین.

ب) کاهش دادن هزینه‌ها... باید مورد توجه قرار گیرد».

پیش‌بینی هزینه دادرسی برای جلوگیری از طرح دعاوی واهی ضروری است، اما این هزینه نباید به میزانی بالا باشد که طرح دعاوی واقعی را برای اشخاصی که حق خود را تضییع یا انکار شده می‌بینند یا مانع مواجه سازد. حقوق انگلستان از دو شیوه هزینه‌های ثابت و درصدی ثابت از ارزش خواسته، توأمان استفاده کرده است؛ با این توضیح که برای دعاوی با خواسته پولی به میزان صد هزار پوند تا دویست هزار پوند، بنابر نوع پرداخت هزینه دادرسی، ۴/۵ یا ۵ درصد ارزش خواسته را به‌عنوان هزینه دادرسی پیش‌بینی نموده است و در سایر دعاوی، با تعیین حداقل و حداکثر ارزش دعوا، مبلغ مشخصی را قرار داده است و

۳۶. عدل، پیشین، ص ۳۶۸.

۳۷. رضایی‌زاده و کاظمی، همان ص ۳۰.

۳۸. مجید غمامی و حسن محسنی، «اصول تضمین‌کننده عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران: ش ۷۴ (۱۳۸۵)، ص ۲۸۶.

۳۹. عارفعلی، پیشین، ص ۲۵۹.

۴۰. مشهدی، پیشین، صص ۲۲۹-۲۳۰.

41. Civil Procedure Rules (CPR).

میزان آن را در سقف ده هزار پوند متوقف می‌کند<sup>۴۲</sup>؛ درحالی که در حقوق ایران، در صورت طی مراحل بدوی، واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی نسبت به یک دعوای مالی، معادل ۱۸-۱۹ درصد ارزش خواسته به‌عنوان هزینه دادرسی از طرفین دعوا أخذ می‌شود. حال اگر حکم صادره شرایط اعتراض ثالث به خود را داشته باشد، ۵/۵ درصد دیگر باید به هزینه‌های یادشده اضافه گردد. مبالغ سنگینی که حتی موجب رضایت محکوم‌له نیز نخواهد بود و فرسنگ‌ها از یک دادرسی منصفانه و عدالت قضایی فاصله دارد (اضافه کنید بر هزینه‌های یادشده، هزینه اجرای حکم (۵ درصد) و دیگر هزینه‌های مربوط به دادرسی را). اقتضای انصاف آن است که ورود به دادرسی برای عموم مردم تسهیل شود، همچنان که در برخی نظام‌های حقوقی مترقی، مانند فرانسه، جریان دارد. تشخیص واهی یا ایذایی بودن دعوا به دادرسی واگذار شده است و بدو از خواهان وجهی وصول نمی‌شود. بخش ۴۴ از قواعد دادرسی مدنی انگلستان از اهمیت حسن نیت در طرح دعوا و منع سوءاستفاده از حق دادخواهی حکایت دارد و به‌ویژه امکان جریمه خواهان دعوای کوچک با هر میزان از احتمال پیروزی را پیش‌بینی کرده است<sup>۴۳</sup>.

برخی در تأمین اصل معقول و متعارف بودن هزینه‌های عمومی، نظر بر این دارند که کاهش دعوای به‌طور قطع می‌تواند از هزینه‌های دولت بکاهد و به سود عمومی<sup>۴۴</sup>، افزایش تمرکز و کارایی دادگاه با کاستن از حجم دعوای به‌واسطه توسعه بهره‌گیری از نهادهای جایگزین منجر گردد<sup>۴۵</sup>. لذا قواعد دادرسی نباید به‌گونه‌ای تنظیم شود که به تمام افراد اجازه رسیدن مستقیم به مرحله محاکمه را بدهد و بهتر است که مرحله پیش‌محاکمه طراحی شود تا چنانچه دعوای به صلح ختم نشد، پرونده برای محاکمه آماده گردد<sup>۴۶</sup>. از همین رو، در حقوق انگلستان، در دعوایی که ارزش خواسته پایین است، نسبت هزینه‌ها به احتمال زیاد

42. Civil Fees Order.1.1-1.2.

43. Lan, Grainger & Michael, Fealy, *The Civil Procedure Rules In Action*, (London and Sydney, Cavendish Publishing Limited, second edition, 2000), p. 521.

44. Steven, Shavell, "the Fundamental Divergence between the Private and Social Motive to Use the Legal System", p. 577.

۴۵. خدابخشی، پیشین، ص ۱۰۶.

46. Catherine, Elliot & Frances, Quinn, *English Legal System*, (London, Longman, 3ed Ed, 2000), p. 346.

بیشتر از یک مطالبه بزرگ است و حتی ممکن است معادل یا احتمالاً از مبلغ اختلاف تجاوز کند.<sup>۴۷</sup> بالا بودن میزان هزینه دادرسی در این دعوی، خواهان را برای پایان دادن به دعوا در مرحله پیش‌محاكمه مجاب کرده است و خوانده نیز در چنین شرایطی و با توجه به احتمال تحمل خسارات وارد به خواهان حتی پیش از صدور حکم<sup>۴۸</sup> به میدان مصالحه پای می‌گذارد.

پیش‌بینی نهاد اعسار، راهکار قانون‌گذار برای برون‌رفت از این مانع است و با استناد به وجود همین مساعدت قانونی، افزایش هزینه‌ها توجیه شده است؛ اما باید اذعان داشت که طرح دعوی اعسار خود موجب تحمیل هزینه‌هایی مضاعف به دولت در معنای عام و نقض شاخص دیگر دادرسی منصفانه، یعنی زمان، می‌شود. به عبارت دیگر، فلسفه و ماهیت نهاد اعسار، امری ضروری در تحقق اصل دسترسی به دادگستری و اصل برابری است. با این توضیح که نیل به اصل دسترسی به دادگستری مستلزم ارائه تسهیلات به قشر ضعیف برای تأمین فرصت برابر در قالب اصل حمایت مساوی از طرفین است.<sup>۴۹</sup> اصل برابری سلاح‌ها نیز به دنبال ایجاد وضعیت و فرصت‌های برابر و متوازن در جریان دادرسی است<sup>۵۰</sup> و این امر برهم زدن توزیع نابرابر ثروت را ضروری می‌نماید. از همین رو، برای تعدیل هزینه‌های مادی، از نهادهایی مانند اعسار و معاضدت قضایی<sup>۵۱</sup> بهره گرفته می‌شود و قانون‌گذار انگلستان با ایجاد کمیته معاضدت قضایی در همین مسیر گام نهاده است. قسمت چهارم از بند دوم قاعده نخست قواعد دادرسی مدنی انگلستان در همین خصوص مقرر می‌دارد: «۴...- موقعیت اقتصادی هریک از طرفین باید مورد توجه قرار گیرد». کمیته معاضدت قضایی در حقوق انگلستان، بدون تشریفات به وضعیت مالی متقاضی رسیدگی می‌کند و رأی این کمیته از سوی طرف دعوا غیرقابل اعتراض است. دادگاه نیز مطابق گواهی کمیته به دعوی اصلی رسیدگی خواهد کرد.

اما فرایند طرح دعوی اثبات اعسار در ایران به گونه‌ای است که افزایش هزینه‌های

47. Grainger & Fealy, (op.cit.), p. 539.

48. CPR.r48.2.

49. Tim, Koopmans, *Courts and Political Institutions: A Comparative View*, (Cambridge. University Press, 2003), p. 215.

۵۰. بهنام حبیبی، درگاه، حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)، (تهران: جاودانه، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۱۴۹.

51. Legal Aid.

دادگستری و تطویل دادرسی را اجتناب ناپذیر می‌کند. رسیدگی به دعوای اعسار مستلزم صرف وقت، به کارگیری نیروی انسانی و افزایش مستحدثات دادگستری است و درنهایت، رأی اعسار خواه به نفع خواهان دعوای آن باشد و خواه به ضرر وی، می‌تواند با اعتراض محکوم‌علیه مواجه شود و هزینه‌های مجددی را لازم نماید. ملاحظه می‌شود که میزان افزوده‌شده بر هزینه دادرسی، درنهایت برای رسیدگی به دعوای اعسار صرف می‌شود و دولت از این مسیر سود زیادی نمی‌برد. نتیجه دعوای اعسار اگر به نفع خواهان آن باشد، دولت هزینه بدون بازگشتی را متحمل شده است و اگر اعسار رد شود، درآمد زیادی متوجه دولت نخواهد شد؛ اما اثر منفی این دعوای مطول شدن دادرسی و از بین رفتن زمان، هم برای طرفین دعوای و هم برای دادگاه است. این طولانی شدن، بر اعتماد و رضایت طرفین از دادگستری تأثیر منفی خواهد گذاشت و موجب کاهش دقت دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ها و افزایش اشتباهات قضایی به واسطه افزایش تعداد پرونده‌های تحت رسیدگی می‌شود. پیش‌بینی ساختاری مستقل به‌مانند کمیته معاضدت قضایی در انگلستان و یا اختصاص دادن برخی از شعب دادگاه برای رسیدگی فوری و بدون تشریفات به «درخواست اعسار»، مضرات پیش‌گفته را مرتفع کرده، گامی است در راستای تحقق یک دادرسی منصفانه.

بنابراین، در تعیین میزان هزینه دادرسی، باید به تأثیر آن در کاهش هزینه‌های عمومی، تحقق اصل دسترسی به دادگستری، کاهش میزان طرح دعوای نزد مراجع قضایی، جلوگیری از اطاله دادرسی و تضمین اصل سرعت در رسیدگی و گسترش نقش نهادهای جایگزین دستگاه قضایی توجه نمود و درنهایت به دادرسی این اختیار داده شود تا با بررسی میزان کار انجام‌شده در هر پرونده و وقت و هزینه مصرف در آن، به تعیین هزینه متناسب با هر دعوای اقدام کند. تجویز هزینه یکسان برای دو دعوای با ارزش مالی برابر که رسیدگی به یکی از آنها به‌سهولت و بدون صرف زمان زیادی خاتمه می‌یابد و رسیدگی به دعوای دیگر با پیچیدگی بسیاری مواجه و مستلزم به‌کارگیری زمان و هزینه بیشتری است، به‌دور از عدالت خواهد بود. همچنین، ممکن است رسیدگی به دعوایی با ارزش مالی کمتر، نسبت به یک دعوای با ارزش مالی بالاتر زمان و هزینه زیادی را معطوف خود نماید، درحالی‌که هزینه دادرسی آن پایین‌تر است. هرچند درصد ثابت را نمی‌توان در همه موارد به ارزش ادعا

اعمال کرد تا مشخص شود که آیا هزینه‌ها متناسب هستند یا خیر<sup>۵۲</sup>، اما تفکیک دعاوی بنا بر ارزش خواسته و اختصاص مسیر رسیدگی واحد برای هر قسم از آنها، آن گونه که در بخش‌های ۲۶ و ۲۷ قواعد دادرسی مدنی انگلستان آمده است، می‌تواند این ایراد را مرتفع و اختصاص درصد ثابت برای تعیین هزینه دادرسی را منطقی‌تر نماید. به این ترتیب، قانون‌گذار با پیش‌بینی میزان هزینه‌های احتمالی دادگاه برای رسیدگی به یک دعوا و خدمات ارائه‌شده، اقدام به تعیین هزینه‌های دادرسی بر مبنای انصاف و با معیارهای منطقی می‌کند.

### ۳. آثار نظام مسئولیت پرداخت هزینه‌ها و جبران خسارت بر اصول دادرسی منصفانه

حقوق‌دانان عموماً و از سر تسامح، به مسئله جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی تحت عنوان مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی می‌پردازند؛ توضیح آنکه هزینه دادرسی وجهی است که برای اقامه دعوا به دولت پرداخته می‌شود و مسئولیت پرداخت آن در هر صورت برعهده خواهان است و در واقع، متعهد به پرداخت هزینه استفاده از خدمات دادگستری همواره خواهان است. بحث از مسئولیت محکوم‌علیه، برای جبران خسارتی است که محکوم‌له در پرداخت‌های خود به دولت متحمل شده و به همین دلیل است که قانون‌گذار صدور حکم به جبران خسارت را منوط به درخواست ذی‌نفع نموده است؛ چراکه محکوم‌علیه در مقابل دولت مسئولیتی از این منظر ندارد. لذا باید میان مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی و ضمان خسارات ناشی از آن قائل به تفکیک شد؛ مورد نخست در مقابل دولت مطرح می‌شود و ضمان دوم در مقابل پیروز دعوا.

#### ۳.۱. مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی

از جمله شرایط لازم برای به‌جریان افتادن دادخواست و شروع رسیدگی، پرداخت هزینه دادرسی است که به صورت ابطال و الصاق تمبر و یا واریز وجه به خزانه دولت صورت می‌گیرد. این خواهان است که می‌خواهد از خدمات دادگستری استفاده کند و ادعایی خلاف

اصل برائت دارد و هم اوست که باید برای خدمات دریافتی هزینه‌های دولتی را پرداخت نماید. خواننده دعوا بدو اراده‌ای برای ورود به آن ندارد و اقدام خواهان است که او را به میدان دادرسی می‌کشاند؛ انصاف حکم می‌کند که ضرر بر کسی که کاری انجام داده و آن را به وجود آورده است تحمیل شود، نه بر کسی که در این راه هیچ نقشی ندارد و به حکم اتفاق پذیرای خسارت شده است.<sup>۵۳</sup> اینکه خواهان تا چه حد استحقاق طرح دعوا را داشته و خوانده تا چه میزان در وقوع جریان دادرسی اثرگذار بوده است، با حق دولت در دریافت مابه‌ازای خدماتی که به خواهان ارائه می‌دهد تا او بتواند حقوق خود را بازپس ستاند، تزاممی ندارد. گاه قانون شخصی را که مرتکب هیچ فعل قابل سرزنشی نشده است مسئول می‌شناسد و به جبران خسارت زیان‌دیده بیش از تقصیر عامل توجه دارد. در نظام کنونی مسئولیت مدنی، تکیه بر جبران خسارت است، نه مجازات متخلف، و قلمرو مسئولیت‌های محض در حال گسترش است تا ضرری بدون جبران باقی نماند. پس نباید این‌گونه تصور کرد که مسئولیت تنها ناشی از تقصیر و کار قابل نکوهش است.<sup>۵۴</sup>

نگاه فوق، ابتدایی‌ترین گونه تعیین مسئول پرداخت هزینه دادرسی است، اما در منصفانه بودن آن باید با دیده تردید نگریست. پیش‌بینی امکان مطالبه خسارات ناشی از دادرسی از خواننده محکوم‌علیه نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده این مقرر باشد. زیان‌دیده‌ای که مسئول خسارات وارد به خود را غیر ملئی می‌بیند و یا دسترسی به واردکننده زیان یا اموال او برایش دشوار است، احتمال دستیابی به اصل طلب خود را در نتیجه اقامه دعوا اندک می‌داند و با علم به این امر، چه بسا با صرف‌نظر کردن از طرح دعوا می‌تواند خود را از پرداخت هزینه‌های دیگر و تحمل خسارات مضاعف وارهاوند. خواهان محکوم‌له‌ای که با بی‌نتیجه ماندن اجرای رأی موفق به وصول مطالبات خود نمی‌شود، علاوه بر از دست دادن خواسته، ضرر دیگری را متوجه خود می‌بیند که خارج از عدالت است. «در موردی که واردکننده زیان معادل مبلغی که بابت جبران خسارت باید بپردازد، سود نبرده باشد، نمی‌توان از برابری سخن گفت؛ زیرا وی نسبت به قبل فقیرتر می‌شود»<sup>۵۵</sup>. ضمن آنکه از منظر قواعد مسئولیت مدنی

۵۳. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمن قهری)، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران: چ ۲، ۱۳۷۸)، ص ۱۷۹.

۵۴. همان، صص ۵۳ و ۷۳.

55. George P., Fletcher, *Corrective Justice for Moderns*, (Harvard Law Review, 1993), p. 1668.



نیز مسئول شناختن خواهان در مقابل هزینه دادرسی در همه حال قابل توجیه نیست، در تحقق ارکان سه‌گانه ضمان، بروز خسارت برای دولت قطعی است و دولت با ارائه خدمات دادگستری و صرف هزینه برای رسیدگی به دعوا متضرر می‌شود. اما اینکه چه کسی واردکننده زیان است تا بتوان رابطه سببیت را نیز احراز نمود در آغاز دعوا مشخص نیست. چه بسا شخص ثالثی مسئول حقیقی بروز اختلاف و طرح دعوا میان طرفین باشد و هم اوست که موجب ورود زیان به دولت شده است. باید به دنبال فاعل زیان‌کار و کشف رابطه سببیت میان فعل او و ضرر وارد به دادگستری بود و نمی‌توان همواره و با فرض تقصیر، خواهان را مسئول پرداخت دانست. قواعد عام مسئولیت مدنی، امکاناتی هستند که به دادرسی فرصت تمییز سبب معقول و متعارف را می‌دهد و این امر در تعارض با عدالت و انصاف، قاعده نمی‌پذیرد.<sup>۵۶</sup> بنابراین، به همان میزان که تقصیر محکوم‌علیه در استحقاق محکوم‌له به دریافت خسارت مؤثر است، باید قائل به اثرگذاری موجبات ضمان در خصوص خسارات وارده به دولت نیز شد و نمی‌توان مطلقاً شخص خاصی را مسئول پرداخت هزینه‌ها دانست. قدر متیقن آن است که امر دادرسی متضمن هزینه‌هایی برای دولت است که نباید بدون جبران بماند، اما نمی‌توان در همه حال اعتقاد بر مسئولیت خواهان دعوا در این خصوص داشت. این مسئله ناشی از لزوم پرداخت هزینه دادرسی در بدو طرح دعوا و تحت تأثیر زمان پرداخت است و در این مقطع، تنها شخصی که می‌تواند مسئول تلقی شود خواهان دعوا است. دادگاه نمی‌تواند بنا بر احتمالات پرونده موقتاً خواهان را از پرداخت هزینه دادرسی معاف کند یا هزینه یادشده را از خواننده اخذ نماید. راهکار دیگری که در قواعد دادرسی مدنی انگلستان پیش‌بینی شده، این‌گونه است که دادرسی می‌تواند در اثنای رسیدگی، به خواننده یا شخص ثالثی دستور پرداخت تمام یا بخشی از هزینه‌های دادرسی به خواهان را بدهد.<sup>۵۷</sup>

۵۶. غلامرضا حاجی‌نوری، «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱ (۱۳۸۹).

ص ۸۷.

### ۲.۳. جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی

مطابق قواعد جبران خسارت دادرسی در ایران، صرف انتساب فعل زیان‌بار و محکوم‌له واقع شدن هریک از اصحاب دعوا برای محق دانستن او به دریافت خسارات دادرسی کافی نیست، بلکه قاعده تسبیب و مبنای تقصیر بر دادرسی مدنی حاکم است و افزون بر آن، در صورت پیروزی خوانده، با تشدید اسباب مسئولیت، علم و عمد خواهان نیز شرط استحقاق او به استرداد خسارت است. با این حال، رویه قضایی به نحوی دیگر عمل کرده، صرف شکست خوانده دعوا را به منزله تقصیر او قلمداد می‌نماید تا با اتکا و استناد به همین شکست، حکم به جبران خسارت دادرسی محکوم‌له صادر کند و چنانچه خوانده فاتح دعوا باشد، راهی جز اقامه دعوی جبران خسارت ندارد؛ چراکه دادگاه بدون درخواست ذی‌حق نمی‌تواند در خصوص موضوعی تصمیم‌گیری کند و در این مورد به جبران خسارت حکم بدهد و این درخواست باید شرایط شکلی اقامه دعوا و از جمله تقدیم دادخواست را به خود داشته باشد؛ در حالی که در حقوق انگلستان، قاعده کلی این است که دادگاه پس از صدور حکم و بدون نیاز به درخواست ذی‌نفع، به یکی از طرفین دستور پرداخت هزینه‌های طرف مقابل را می‌دهد.<sup>۵۸</sup>

پرداخت خسارت به محکوم‌له، از طرح دعاوی با احتمال اندک پیروزی جلوگیری می‌کند<sup>۵۹</sup>؛ چراکه انتقال هزینه‌ها خطر و ارزش مورد انتظار دعوا را برای خواهان در مواردی که احتمال پیروزی در آن وجود دارد، بالا می‌برد؛ لذا در انگلستان، اشخاص در مواردی که شانس بالایی برای پیروزی در دعاوی احتمالی ندارند، از اقامه دعوا پرهیز کرده، به حل اختلاف در بیرون از دادگاه گرایش پیدا می‌کنند. در توجیه این قاعده (قاعده انگلیسی) این‌گونه استدلال شده است که افراد با طرح دعوا، به دنبال فصل اختلافات با تعیین حقوق و تکالیف خود هستند و طرف پیروز نباید متحمل مخارج ناشی از خطای محکوم‌علیه گردد؛ در حالی که عدم الزام بازنده دعوا به جبران خسارات محکوم‌له (قاعده امریکایی) به منزله

58. CPR.r44.2.8

59. James R., Maxeiner, "Cost and Fee Allocation in Civil Procedure", *American Journal of Comparative Law*, University Of Baltimore-School of Law, Vol. 158 (2010), p. 1

تقدیم فرصت برای تزییع حقوق خواهان محق است.<sup>۶۰</sup> تردیدی وجود ندارد که اعمال راه‌های قانونی مانند طرح دعوا و پاسخ به آن خساراتی را، اعم از مادی و معنوی، به طرف مقابل وارد می‌آورد، اما به دلیل اینکه چنین خسارتی لازمه احقاق حق است، الزام شخص به تحمل آن به منزله جلوگیری از اعمال حقوق یادشده است. در پیش‌نویس قواعد دادرسی مدنی انگلستان (۱۹۹۶) اصول کلی جهت نیل به عدالت، ضمن تأکید بر ضرورت کاهش مخارج، این‌گونه تبیین گردید که «سیستم باید:

الف) نتیجه‌بخش باشد و نتیجه مناسب ارائه دهد.

ب) با طرفین دعوا منصفانه برخورد کند.

پ) آیین رسیدگی مناسب را با هزینه معقول تدوین نماید.

ت) سرعت رسیدگی به نحو منطقی و معقول باشد.

ث) برای عموم قابل درک باشد.

ج) پاسخگوی نیازهای کسانی که از آن استفاده می‌کنند باشد»<sup>۶۱</sup> و تأمین این اصول و دستیابی به عدالت با روش‌های مناسب‌تری، از جمله معاضدت حقوقی و بیمه وقایع حقوقی، منطقی‌تر است.<sup>۶۲</sup>

در مورد مبنای حقوقی تحمیل خسارت ناشی از هزینه دادرسی بر محکوم‌علیه، دو تحلیل زیر ارائه شده است:

تحلیل نخست. چنانچه محکوم‌علیه خوانده دعوا باشد، به واسطه مقاومت نابجای خود و اگر خواهان باشد، به دلیل طرح دعوای خلاف حق، باید خسارات ناشی از دادرسی را جبران نماید.

۶۰. صالح یمرلی و عباس کریمی، «مطالعه تطبیقی قواعد جبران خسارت دادرسی مدنی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا»، مرکز مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱۰۷ (۱۳۹۶)، ص ۱۹۹.

61. Harry Kenneth, Woolf, *Access to Justice Final Report to the Lord Chancellor on the Civil System in England and Wales*, (HMSO, 1996), Section I, Overview, Paragraph 1

62. Maxeiner, *op. cit.*, p. 29.

ایراد این نظر آن است که اولاً بی‌حق بودن یکی از طرفین در برخی موارد تا قبل از رسیدگی قضایی نامعلوم است و گاه حقانیت یکی از دو طرف اختلاف برای خود آنها نیز مورد تردید است و به همین جهت هردو طرف آن را با حسن نیت تعقیب می‌کنند<sup>۶۳</sup>؛ لذا منصفانه نیست که محکوم‌علیه به صرف امتناع از ادای حق، مقصر شناخته شود؛ چراکه طبق این نظر، نیازی به ذکر قید تقصیر نبوده، درواقع هر محکوم‌علیه مقصر است و درنهایت باید تمام هزینه‌های دادرسی را بپردازد. همچنین، در بسیاری از دعاوی، محکوم‌علیه مقصر نبوده، احتمال محق بودن او نیز چندان دور از ذهن نیست. ثانیاً در این تحلیل به اشتباهات قضایی و آرای نادرست و نیز برخی حقوق، از جمله حقوق طبیعی که قابل مطالبه نیستند توجه نشده است. ثالثاً گاه قانون‌گذار اشخاصی را به لحاظ تکلیف به حفظ پاره‌ای از حقوق، به اقامه دعوا ملزم نموده است؛ مانند دعوایی که قیم برای غبطه مولی‌علیه طرح می‌کند که در این موارد نمی‌توان بازنده دعوا را همیشه خاطی و مسئول جبران خسارت دانست<sup>۶۴</sup>.

تحلیل دوم، رابطه متداعیین همانند شبه عقد است و این‌گونه فرض می‌شود که طرفین دعوا بر جبران خسارت از سوی محکوم‌علیه توافق نموده‌اند<sup>۶۵</sup>. در این موارد، الزام محکوم‌علیه به پرداخت خسارت ناشی از هزینه دادرسی، بیشتر دفع ضرر از محکوم‌له است تا تنبیه محکوم‌علیه.

خداوند وارد به این دیدگاه آن است که عالم اعتبارات باید در خدمت جهان واقع و منطبق بر آن باشد. قانون آیین دادرسی مدنی ایران بدون پیش‌بینی مرحله مقدماتی یا الزام به مراجعه به نهادهای غیرقضایی، خواهان را محق و مجاز به طرح دعوا نموده است و خواننده جز در زمان ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی، از دعوی مطروحه و اختلاف موجود مطلع نمی‌شود. فرض توافق در چنین شرایطی بسیار بعید بوده، نمی‌تواند توجیه‌کننده تحمیل هزینه دادرسی بر محکوم‌علیه باشد؛ درحالی که در حقوق انگلستان، ضمن پیش‌بینی مرحله پیش‌محاکمه و تفکیک آن از مرحله محاکمه، این اختیار به قاضی داده شده است تا با

۶۳ محمدهادی فضلعلی، «خسارت دادرسی (بررسی تحولات قوانین و رویه قضایی)»، قضاوت، ش ۲۴ (۱۳۸۳)، ص ۱۰.

۶۴ همان، ۱۰.

۶۵ احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، (تهران: مجد، ج ۳، ۱۳۸۸)، ص ۳۹۰.

بررسی رفتار متداعیین در مرحله پیش‌محاکمه و تأثیر اراده طرفین برای فصل دعوا در خارج از دادگاه، در خصوص جبران خسارت دادرسی تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید.<sup>۶۶</sup>

### ۳.۳. مقایسه جبران خسارت ناشی از هزینه دادرسی در حقوق ایران و انگلستان

ظاهر ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م جواز مطالبه خسارت را مقید به تقصیر خواننده دانسته است؛ بنابراین، ممکن است دلالت شود که حق مطالبه مطلقاً مقید به تقصیر و امتناع از ادای حق از روی تعدی یا تفریط است. با وجود این، رویه دادگاه چنین نبوده است و خواهان مطلقاً می‌تواند ضمن دادخواست اصلی یا به موجب دادخواست مستقل، خسارات دادرسی را نیز مطالبه نماید. از این رو، برخی از حقوق دانان معتقدند: «قاعده موردقبول در حقوق ایران قابل نقد است و باید تعدیل گردد. دست کم فرض تقصیر را باید برای طرف بازنده ملحوظ داشت و تنها در صورت اثبات عدم تقصیر، بازنده را از پرداخت خسارات طرف مقابل معاف دانست. همچنین، انتقال‌پذیری قضایی خسارات دادرسی را باید پذیرفت و در مواردی، به قاضی اجازه تغییر شیوه جبران خسارات دادرسی را اعطا کرد»<sup>۶۷</sup>. همچنان که پیش‌تر نقل شد، رویه قضایی همسو با این نظر، تقصیر بازنده را همواره مفروض دانسته، صرف شکست در دعوا را مثبت تقصیر محکوم علیه می‌داند؛ اما به نظر می‌رسد، این دیدگاه و رویه قضایی است که نیاز به تعدیل دارد و محکوم کردن خواننده به جبران خسارت دادرسی تنها به این دلیل که او بازنده دعوا بوده از اصول دادرسی منصفانه به دور است. همچنان که حقوق دانان نامبرده در ادامه، اختیار دادگاه برای تغییر شیوه جبران خسارت دادرسی را راهکار مناسبی برای «مواردی» از دعاوی می‌دانند، برای تضمین عدالت و مراعات انصاف، در «همه موارد» باید قائل به اختیار دادرسی در تعیین مسئول جبران خسارت و فراتر از آن، مسئول پرداخت هزینه دادرسی بود. در این خصوص، قواعد دادرسی مدنی انگلستان پس از آنکه در قاعده ۳ از بخش ۴۴ مقرر می‌دارد «در صورتی که دادگاه تصمیم به صدور قرار در خصوص هزینه‌ها بگیرد:

الف) قاعده کلی این است که به محکوم علیه دستور داده شود تا هزینه‌های محکوم له را

پرداخت کند.

ب) دادگاه ممکن است دستور متفاوتی نسبت به قاعده صادر کند». در ادامه، در بیان تکلیف دادگاه به بررسی جمیع شرایط، این گونه مقرر می‌دارد که «دادگاه در تصمیم‌گیری در خصوص هزینه‌ها، به همه شرایط توجه می‌نماید. از جمله:

الف) رفتار همه طرفین؛

ب) پیروزی در دعوا، اگرچه پیروزی در بخشی از آن باشد؛

ج) هرگونه تأدیة وجه نزد دادگاه یا ارادة پیشنهاد برای حل و فصل اختلاف؛

د) مبلغ و ارزش موضوع دعوا؛

ن) پیچیدگی مسئله یا دشواری یا تازگی مسائل طرح‌شده؛

ه) زمان مصروف در پرونده...»<sup>۶۸</sup>.

منظور از رفتار طرفین، رفتار قبل و یا در طول دادرسی و منطقی بودن اقامه دعوا یا دفاع و نیز سوءاستفاده طرف پیروز از حق خود در تمام یا بخشی از دعوا است.<sup>۶۹</sup> در واقع، در حقوق انگلستان، در تعیین مسئول جبران خسارت، حسن نیت طرفین دعوا بیش از هر چیز مورد توجه است و این امر اختیار دادگاه در بررسی سوءاستفاده هر یک از طرفین از مقررات آیین دادرسی را اقتضا دارد و دادرس باید بتواند برنده دعوایی را که از مقررات آیین دادرسی سوءاستفاده کرده یا موجب تحمیل هزینه به طرف مقابل و دولت شده است از دریافت هزینه دادرسی یا بخشی از آن محروم کند. این مقرر، همسو با قواعد عام مسئولیت و به‌طور خاص قاعده تسبیب است؛ با این توضیح که در حقوق انگلستان، دادگاه مطابق قانون اصلاحی تقصیر زیان‌دیده مصوب ۱۹۴۵، با توجه به میزان مشارکت، بر مبنای عدل و انصاف حکم می‌دهد.<sup>۷۰</sup> همچنین، به‌موجب بند ۱ از قاعده ۳ بخش ۴۴: «دادگاه نظر خود را

68. CPR.r44.5.3.

69. CPR.r44.2.5.

۷۰. علیرضا پوراسماعیلی، «مطالعه تطبیقی تاثیر تقصیر زیان‌دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن‌لا»، مطالعات حقوق

تطبیقی معاصر، ش ۷ (۱۳۹۲)، ص ۱۱.

نسبت به این موارد اعلام می‌دارد:

الف) آیا هزینه‌ها قابل پرداخت از سوی یک طرف به طرف مقابل است یا خیر؟

ب) این هزینه‌ها چقدر است؟

ج) مهلت پرداخت هزینه‌ها به چه میزان است؟»

به موجب بند سوم از قاعده ۳ بخش ۴۴، در صورتی که دادگاه تصمیم به اعمال اختیار خود، موضوع بخش ۵۱ قانون دیوان عالی مصوب ۱۹۸۱<sup>۷۱</sup>، داشته باشد و شخصی غیر از اطراف دعوا را مسئول پرداخت هزینه‌ها بداند، باید وی را به دعوا جلب کند تا او فرصت مناسبی برای شرکت در جلسه دادرسی داشته باشد و دادگاه با استماع دفاعیات مجلوب ثالث، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. حکم به پرداخت هزینه‌ها از سوی شخص ثالث با لحاظ تحمیل منطقی هزینه‌ها بر وی و میزان معقول هزینه‌ها صادر می‌شود<sup>۷۲</sup>. دادگاه در ارزیابی هزینه‌ها و تحمیل آن بر هریک از طرفین، به تناسب رأی خود با جریان پرونده و منطقی بودن آن توجه کرده، معقول بودن میزان هزینه‌ها را لحاظ خواهد نمود<sup>۷۳</sup>. البته باید توجه داشت که در صورت «توافق طرفین در خصوص هزینه‌های دادرسی، مطابق توافق عمل خواهد شد»<sup>۷۴</sup>. این قاعده با لحاظ اصل حاکمیت اراده و نتایج آن، در حقوق ما نیز مجری و توافق طرفین دعوا در خصوص جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی، لازم‌الاجرا است.

نتیجه آنکه در هر دو کشور اصل بر تحمیل هزینه‌ها به محکوم‌علیه است؛ با این تفاوت که اعمال این قاعده در حقوق ایران منوط به احراز قید تقصیر (در خصوص خوانده) و علم و عمد (در مورد خواهان) است و دادگاه در این خصوص، به صرف درخواست طرف پیروز و با احراز قیود یادشده، ملزم به صدور حکم به جبران خسارت است. اما در حقوق انگلستان، این قاعده با استثنای زیادی برخورد کرده است و در مواردی که تنها خواهان مستحق بخشی از خواسته باشد یا مرتکب سوءاستفاده یا اغراق شود یا ادعای نادرست و غیرمنطقی مطرح

۷۱. مطابق این بخش، تصمیم‌گیری در خصوص هزینه‌ها در اختیار دادگاه است.

72. CPR.r48.3.1.

73. CPR.r44.5.1.

74. CPR.r47.10.

کند، دادگاه ممکن است او را از دریافت تمام یا بخشی از هزینه‌های خود محروم و یا حتی ملزم به پرداخت هزینه‌های محکوم‌علیه نماید.<sup>۷۵</sup> با توجه به خلاف قاعده بودن اختیارات دادگاه در محکوم کردن بازنده دعوا به جبران خسارات دادرسی، در هر مورد که دادگاه تصمیم به تحمیل هزینه‌ها بر محکوم‌علیه دارد، باید آن را توجیه و دلایل آن را ذکر کند<sup>۷۶</sup> و بر همین اساس، بار اثبات جهات موجه آن برعهده محکوم‌علیه است. این درحالی است که استحقاق محکوم‌له به استرداد خسارات خود در حقوق ایران، حسب مورد، منوط به اثبات تقصیر یا علم و عمد طرف مقابل است. نظام حقوقی انگلستان با پیش‌بینی اختیار دادرسی در انتقال هزینه‌های دادرسی، به اصول دادرسی منصفانه نزدیک‌تر است و باید گفت که در یک دادرسی منصفانه، قاعده این است که دادگاه می‌تواند محکوم‌له را از تمام یا بخشی از خسارات دادرسی محروم کند و مواردی که این اختیار را از دادگاه سلب می‌کند محدود و استثنا هستند.

#### ۴. زمان پرداخت هزینه دادرسی

اینکه خواهان در همه حال ملزم به پرداخت هزینه دادرسی به دولت است و اینکه محکوم‌علیه باید خسارات دادرسی محکوم‌له را به‌صرف شکست در دعوا جبران کند، خالی از اشکال نیست و در بخش پیش به این دو مسئولیت پرداخته شد. در این مبحث، در پی دستیابی به زمانی مناسب برای اجرای این تعهدات، زمان اجرای آنها در حقوق ایران و انگلستان و آثار آن بر اصول دادرسی منصفانه بررسی می‌شود.

##### ۴.۱. زمان پرداخت‌ها در حقوق ایران و انگلستان

در این مقام نیز باید میان زمان پرداخت هزینه دادرسی و زمان جبران خسارات ناشی از آن، قائل به تفکیک شد.

##### ۴.۱.۱. زمان پرداخت هزینه دادرسی از سوی خواهان

مطابق مواد ۵۱ و ۵۳ ق.آ.د.م، قاعده این است که در حقوق ایران هزینه دادرسی باید در

75. Grainger & Fealy, *op.cit.*, p. 521.

76. غمامی و محسنی، پیشین، صص ۱۶۵-۱۶۶.



زمان تقدیم دادخواست پرداخت شود و چنانچه خواهان در آن تاریخ و یا پس از پایان مهلت قانونی رفع نقص، اقدام به تأدیه هزینه دادرسی نکند، دادخواست او رد می‌شود. اعسار که همواره وضعیتی استثنایی بر هزینه‌های دادرسی و قواعد حاکم بر آن بوده، تنها استثنای موجود بر زمان پرداخت هزینه دادرسی است. توضیح آنکه، اگر خواهان ضمن دادخواست اصلی، صدور حکم بر اعسار را نیز تقاضا کند و یا سابقاً اعسار خود را ثابت کرده باشد، الزامی به پرداخت هزینه دادرسی در زمان تقدیم دادخواست ندارد؛ با این حال، او به صورت دائمی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نشده است و چنانچه در دعوی اصلی محکوم‌له واقع گردد و یا از حالت اعسار نیز خارج شود، باید هزینه دادرسی را پرداخت کند (ماده ۵۱۱ ق.آ.د.م). در واقع، «زمان پرداخت» هزینه دادرسی به تاریخ تحقق این دو شرط موقوف شده است. ضمن آنکه اگر در طول دادرسی و یا حتی پس از ختم رسیدگی، به تأدیه تمام یا قسمتی از هزینه‌ها متمکن شود، هزینه‌ای که از پرداخت آن موقتاً معاف بود، حسب مورد، جزئاً یا کلاً، از او اخذ می‌شود. البته چنانچه ادعای اعسار او رد گردد، رسیدگی به دعوی اصلی منوط به پرداخت هزینه دادرسی خواهد بود و با قطعیت رأی رد اعسار، خواهان باید ظرف مهلت مقرر، هزینه دادرسی را پرداخت و از دادخواست خود رفع نقص کند، در غیر این صورت دادخواست او رد می‌شود.

در حقوق انگلستان، خواهان باید در زمان تقدیم دادخواست هزینه‌های دادگاه را پرداخت کند<sup>۷۷</sup> و چنانچه تقاضای معاضدت قضایی داشته باشد، دادگاه با جلب نظر کمیته معاضدت قضایی تصمیم‌گیری می‌کند. اگر شخص مستحق معاضدت شناخته شد، هزینه دادرسی از صندوق معاضدت قضایی پرداخت می‌شود و چنانچه نظر کمیته بر عدم استحقاق او بود، دادخواست رد می‌گردد؛ مگر آنکه خواهان هزینه دادرسی را پرداخت کند.

#### ۴.۱.۲. زمان جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی

دادگاه پس از رسیدگی و تعیین میزان خسارات، ضمن حکم راجع به اصل دعوا و یا به موجب حکم جداگانه، رأی به تأدیه خسارات از سوی محکوم‌علیه می‌دهد (ماده ۵۱۵

ق.آ.د.م). با توجه به اینکه تا قبل از اعلام ختم دادرسی و صدور رأی، پیروز و بازنده دعوا مشخص نیست، مسلم می‌گردد که حکم جداگانه در خصوص خسارات، تنها پس از صدور حکم دعوای اصلی صادر می‌شود و با توجه به لزوم قطعیت آرا جهت اجرا در حقوق ایران، محکوم‌له با قطعی شدن رأی می‌تواند خسارات خود را مطالبه نماید.

در حقوق انگلستان، قاعده کلی این است که دادگاه پس از صدور حکم و بدون نیاز به درخواست ذی‌نفع، به یکی از طرفین دستور پرداخت هزینه‌های طرف مقابل را می‌دهد.<sup>۷۸</sup> چنانچه دادگاه نتواند در خصوص هزینه‌های ثابت دستوری صادر کند، قاعده کلی این است که در پایان دادرسی یک پرونده، به‌همراه تمامی هزینه‌های مربوط به پرونده و یا در پایان هر جلسه دادرسی در صورتی که رسیدگی به دعوا مستلزم بیش از یک جلسه باشد، یک ارزیابی فوری انجام می‌گیرد. «ارزیابی فوری» به معنای رویه‌ای است که از سوی آن، دادگاه هنگام تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌ها، به‌جای هزینه‌های ثابت یا «ارزیابی تفصیلی»، قرار پرداخت مبلغی از پول را صادر می‌کند.<sup>۷۹</sup> قانون‌گذار انگلستان ضمن پذیرش قاعده پرداخت پس از صدور، به دادرسی این اختیار را داده است تا قبل از صدور حکم در اصل دعوا، یکی از طرفین را به جبران تمام یا بخشی از خسارات طرف مقابل ملزم کند. در هر صورت، زمان اجرای دستور جبران خسارات در اختیار دادرسی است که می‌تواند پیش یا پس از صدور حکم در دعوای اصلی باشد.<sup>۸۰</sup>

#### ۲.۴. زمان پرداخت مؤثر هزینه‌ها در پرتو اصول دادرسی منصفانه

در نظام حقوقی ایران، زمان پرداخت‌ها به غیرمنصفانه‌ترین حالت ممکن علیه خواهان دعوا پیش‌بینی شده است. خواهان در نخستین گام از شروع فرایند دادرسی باید هزینه‌هایی را پرداخت کند که شاید بی‌جهت به او تحمیل شده است و برای استرداد این هزینه‌ها به همراه اصل طلب، باید تا آخرین گام از اجرای حکم به انتظار بنشیند.

در حقوق انگلستان، علی‌رغم آنکه خواهان در زمان طرح دعوا باید هزینه دادرسی را

78. CPR.r44.2.8.

79. CPR.r44.3.

80. CPR.r44.3.1.4.

پرداخت کند، اما قواعد دادرسی این کشور در ادامه به نفع او تلطیف شده، در مسیر عدالت گام برمی‌دارد. پس از طرح دعوا در این کشور، چنانچه در رسیدگی مقدماتی طرفین به سازش رسیدند هزینه‌های خواهان مسترد خواهد شد. در طول جریان دادرسی نیز دادرس با آگاهی از شرایط پرونده و مطالعه وضعیت دعوا در مرحله مقدماتی، اگر دلایل خواهان را موجه و یا خوانده یا شخص ثالثی را مقصر حدوث دعوا دانست، پیش از ختم دادرسی دستور جبران خسارات خواهان را صادر می‌کند.<sup>۸۱</sup>

#### ۴.۲.۱. آثار زمان پرداختها بر اصول دادرسی منصفانه

بالا بودن میزان هزینه دادرسی به‌تنهایی نمی‌تواند اصل دسترسی به دادگستری را مخدوش کند و رسیدگی به دعوا منوط به پرداخت این هزینه در آغاز رسیدگی است که مکمل تأثیر منفی میزان بالای هزینه‌ها است. خواهانی که به پیروزی خود در دعوا یقین دارد، تنها هنگامی که ملزم به پرداخت هزینه‌ها در آغاز رسیدگی نباشد، به طرح دعوا با هزینه دادرسی معادل هر میزان از ارزش خواسته (مثلاً ۱۰ درصد) اقدام می‌کند، چراکه درنهایت هزینه دادرسی را متوجه خود نمی‌بیند. همچنین، اگر هزینه دادرسی پایین باشد خواهان منصرف از طرح دعوا نخواهد شد، حتی اگر در زمان تقدیم دادخواست ناچار به تأدیه هزینه دادرسی گردد.

رکن دیگر هزینه دادرسی، یعنی مسئول پرداخت هزینه دادرسی را نیز عامل زمان مشخص می‌کند. در واقع، در زمان شروع دعوا این خواهان است که خواستار رسیدگی قضایی است و اوست که باید شرایط قانونی دادرسی را فراهم آورد که از جمله باید موانع مالی در مسیر اقامه دعوا را مرتفع سازد. مسئولی که ممکن است نتواند از ایفای تعهد خود برآید و به صرف‌نظر کردن از طرح دعوا ناچار می‌شود، یا به سازش تن می‌دهد و یا دعوای اعسار را در پیش می‌گیرد؛ درحالی که اساساً نباید او را به‌صرف آغازگر دعوا بودن، مسئول دانست. اعراض از حق و ترک با اکراه دادخواهی، عبارت اخراجی نقض اصل دسترسی به دادگستری و حق دادخواهی مردم است. هدایت به سازش با اهرم قرار دادن ضعف اقتصادی

ذی‌حق نیز مطلوب یک جامعه مبتنی بر انصاف و یک نظام دادرسی عادلانه نیست. شیوه اتخاذی برای معاضدت به اقسار ضعیف جامعه در حقوق انگلستان به اصول منصفانه دادرسی نزدیک‌تر بوده، به‌ویژه اصل رسیدگی در مدت معقول را با چالشی جدی مواجه نمی‌سازد. فرایند طرح و اثبات دعوای اقسار در ایران به‌گونه‌ای است که تطویل در دادرسی را غیرقابل اجتناب می‌کند. به عبارت دیگر، لزوم تقدیم دادخواست به دادگاه، ایجاد تکلیف است؛ هم برای مدعی اقسار و هم برای دادگاه. خواهان باید تمامی شرایط صحت یک دادخواست و مقدمات یک دعوای رعایت نماید و دادگاه ملزم به بررسی شرایط دادخواست و رسیدگی به دعوای است. این رسیدگی در وقت عادی دادگاه صورت می‌گیرد و این دومین عامل در مسیر اطلاع دادرسی از سوی اقسار است. همچنین، درحالی که هزینه دادرسی در ازای خدمات دادگستری و خسارات وارده به دولت اخذ می‌شود، طرح بلاوجه دعوای اقسار به طرفیت خواننده اصلی، این حق را به او می‌دهد که به رأی صادره، چنانچه مبنی بر پذیرش اقسار خواهان باشد، به‌منظور ایجاد وقفه در ایفای تعهد، اعتراض نماید و این امر موجب دیگری است در به‌درازا کشیده‌شدن حل و فصل اختلاف‌ها.

لذا پیشنهاد می‌شود یا پرداخت هزینه دادرسی به زمان دیگری موکول شود، همچنان‌که اقسار نیز پرداخت هزینه دادرسی را کان‌لم‌یکن نمی‌سازد و معسر موقتاً از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌شود و یا اینکه با اختصاص دادن شعبی از دادگاه و یا تدارک سازمان مشخصی مانند کمیته معاضدت قضایی در انگلستان برای رسیدگی به ادعای اقسار، ضمن تسریع در رسیدگی به این ادعا، با کاستن از حجم پرونده‌های دادگاه، در جهت اعتلای اصول دیگر دادرسی نیز گام برداشت. با یک محاسبه ساده ریاضی مشخص می‌شود که اقدام اخیر نه تنها هیچ زیان مالی به دستگاه قضایی وارد نمی‌سازد، بلکه موجب افزایش دقت دادگاه و صحت آرا و درنهایت رضایت عموم از عملکرد آن می‌شود.<sup>۸۲</sup>

۸۲. صرف حذف مرحله اعتراض خواننده به حکم اقسار موجب تقلیل هزینه‌های دادگستری است، اما مراد ما از انتفاع دستگاه قضایی با بهره‌گیری از کمیته‌های معاضدت یا شعب اختصاصی برای رسیدگی به دعوای اقسار، منصرف از آن است و نیازمند اطلاعات صحیح از میانگین مخارج هر شعبه دادگاه در بازه‌های زمانی مشخص است، که در شرایط فعلی و با فقدان این اطلاعات، ارائه تحلیل جامع مقدور نیست؛ به اجمال می‌توان گفت که با حذف دعوای اقسار، هزینه مصرف (اعم از نیروی انسانی و هزینه‌های مالی دادگستری و...) برای رسیدگی به نوع خاصی از دعوای مطروحه در دادگستری که اتفاقاً درصد قابل توجهی از پرونده‌ها را به خود اختصاص داده است (و به تبع آن، حذف مراحل اعتراض همان طیف از دعوای ذخیره می‌شود و تنها بخشی از آن به نهادی

## نتیجه

گسترش فعالیت‌های دولت و توسعه تشکیلات اداری برای عرضه خدمات عمومی و ایفای حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم ایجاب می‌کند که در مقابل ارائه این خدمات هزینه‌هایی دریافت شود. دادگستری از جمله خدمات عمومی است که دولت موظف به آن است و اعتقاد بر مجانی بودن دادرسی را باید کنار گذاشت. اما هزینه‌هایی که برای رسیدگی به اختلافات مقرر می‌شود نباید به گونه‌ای باشد که حق دادخواهی و اصل دسترسی به دادگستری را با مانع مواجه ساخته، یا بار مالی سنگینی بر دادخواهان تحمیل کند.

قرار دادن هزینه دادرسی در مسیر اقامه دعوا به منظور جلوگیری از طرح دعوای واهی و کاستن از پرونده‌های دادگستری با وجود نهاد اعسار، ثمربخش نبوده و موجب افزایش حجم پرونده‌های دستگاه قضایی شده است. نهاد اعسار به منظور ایجاد فرصت برابر برای افراد با قدرت اقتصادی نابرابر، آنگاه می‌تواند مفید باشد که موجب اطاله دادرسی نشود، اما در نظام حقوقی ما، علاوه بر آنکه هزینه‌های مضاعفی را بر قوه قضاییه تحمیل نموده و موجب تطویل دادرسی شده، با افزایش حجم کار دادگاه‌ها، میزان صحت و دقت در آرا را نیز کاهش داده است. نظام حقوقی انگلستان در پیش‌بینی کمیته معاضدت قضایی و رسیدگی به وضعیت اقتصادی خواهان معاضدت در مدت اندک و خارج از دادگاه، زیان‌های پیش‌گفته در مسیر دادرسی را از بین برده است.

مناسبات میان هزینه دادرسی و اصول دادرسی منصفانه را می‌توان در میزان هزینه‌های قابل پرداخت، مسئولیت پرداخت‌ها و زمان پرداخت هزینه دادرسی جستجو کرد. میزان هزینه دادرسی باید با معیارهایی تعیین شود که علاوه بر تحقق اصل دسترسی به دادگستری، تناسب میان هزینه و خدمت نیز رعایت گردد. در این خصوص، تقسیم دعوای و پیش‌بینی روش‌های رسیدگی متفاوت برای رسیدگی به قسم‌های متفاوت دعوا، همان‌گونه که در حقوق انگلستان جریان دارد، پیشنهاد می‌شود. دوماً مرحله‌ای شدن رسیدگی و بررسی

مانند کمیته معاضدت قضایی با نیروی انسانی کمتر و تحدید هزینه‌های لازم با حذف رسیدگی قضایی و صرفاً از طریق استعلام اموال نزد مراجع ذی‌ربط اختصاص می‌یابد. البته در این صورت، باید با تعیین حداقل درآمد یا دارایی برای برخورداری از معاضدت، امکان احراز استحقاق متقاضی معاضدت به دریافت کمک‌های قضایی را برای کمیته یادشده تسهیل نمود.

پرونده در مرحله مقدماتی، به منظور بررسی شرایط پرونده و اختصاص دعوا به یکی از مسیرهای رسیدگی و محاسبه هزینه‌های احتمالی دعوا راهکار مناسبی است که قانون‌گذار انگلستان به درستی از آن استفاده کرده است. قانون‌گذار باید قائل به دومرحله‌ای کردن دادرسی شود و با پیش‌بینی مرحله مقدماتی، از طرح دعاوی که قابلیت رسیدگی ندارند جلوگیری و یا اقدام به حل و فصل آنها در همان مرحله نماید.

هم در حقوق ایران و هم در نظام حقوقی انگلستان، خواهان باید در زمان تقدیم دادخواست هزینه دادرسی را پرداخت نماید. تکلیف خواهان به پرداخت هزینه دادرسی، می‌تواند او را بیش‌ازپیش متضرر کند و با علم به همین موضوع، بسیاری از اشخاصی که حق خود را تضییع شده می‌بینند و احتمال وصول طلب خود از خوانده‌ای را که مفلس است یا دسترسی به او یا اموالش ممکن نیست پایین می‌دانند، از اقامه دعوا صرف‌نظر می‌کنند. بنابراین، باید با رفع مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی از خواهان، به دادرسی این اختیار داده شود که در اثنای رسیدگی و یا در پایان دادرسی با تشخیص مسئول اصلی تحمیل هزینه‌ها به دولت، هزینه دادرسی را از او اخذ کند. به این ترتیب، بحث از جبران خسارات و رسیدگی به تقصیر خوانده یا علم و عمد خواهان مطرح نمی‌شود و دادرسی در تعیین مسئول نهایی پرداخت هزینه‌ها آزادی عمل خواهد داشت. این امر مستلزم تغییر زمان پرداخت هزینه دادرسی است. اخذ هزینه دادرسی در پایان رسیدگی، علاوه بر تضمین اصل دسترسی به دادگستری، طرفین را از طرح دعاوی اعسار بی‌نیاز کرده، موجب کاهش اطاله دادرسی و حجم پرونده‌های دادگستری می‌شود. در این زمان است که دادرسی می‌تواند رفتار طرفین را ارزیابی و با توجه به شرایط پرونده، هزینه دادرسی را بر یکی از طرفین تحمیل و یا پرداخت آن را میان اصحاب دعوا تقسیم کند.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

#### – کتاب‌ها

- ۱- حبیبی درگاه، بهنام، *حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)*، (تهران: جاودانه، چ ۱، ۱۳۹۲).
- ۲- خدابخشی، عبدالله، *حقوق دعاوی (تحلیل فقهی- حقوقی)*، (تهران: سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۹۲).
- ۳- زراعت، عباس، *محمضای قانون آیین دادرسی مدنی* (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹).
- ۴- عباسی، بیژن، *مبانی حقوق عمومی* (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۳).
- ۵- عدل، مصطفی، (منصورالسلطنه)، *حقوق اساسی یا اصول مشروطیت*، (تهران: بی‌نا، ۱۳۲۷).
- ۶- کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۸).
- ۷- کاتوزیان، *حقوق مدنی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵).
- ۸- کاتوزیان، ناصر، *مبانی حقوق عمومی*، (تهران: میزان، چ ۳، ۱۳۸۶).
- ۹- متین دفتری، احمد، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، ج ۱، (تهران: مجد، چ ۳، ۱۳۸۸).
- ۱۰- مدنی، جلال‌الدین، *آیین دادرسی مدنی*، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۰).
- ۱۱- واحدی، قدرت‌الله، *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، (تهران: میزان، چ ۷، ۱۳۸۷).

#### – مقاله‌ها

- ۱۲- الماسی، نجادعلی و حبیبی، بهنام، «درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۵۸ (۱۳۹۱).
- ۱۳- پوراستاد، مجید و حصارخانی، فاطمه، «تحلیل اقتصادی فرآیند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌ها»، *تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ش ۲۸ (۱۳۹۴).

- ۱۴- پوراسماعیلی، علیرضا، «مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن لا»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۷ (۱۳۹۲).
- ۱۵- پورنوری، منصور، «معاذت قضایی در انگلستان»، *قضاوت*، ش ۱۹ (۱۳۸۲).
- ۱۶- حاجی نوری، غلامرضا، «مطالعه تطبیقی رهیافت‌های سببیت در مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۱ (۱۳۸۹).
- ۱۷- حسینی پویا، سید محسن، «بایسته‌های تفسیر مقررات مرتبط با هزینه دادرسی»، *وکیل مدافع*، ش ۲ (۱۳۹۰).
- ۱۸- حسینی پویا، سید محسن، «دادرسی؛ هزینه یا درآمد؟»، *وکیل مدافع*، ش ۱۰ و ۱۱ (۱۳۹۲).
- ۱۹- داوودی، حسین، «ویژگی‌های قواعد شکلی (آیین دادرسی مدنی)»، *مطالعات حقوق خصوصی*، ش ۲ (۱۳۹۷).
- ۲۰- رضایی زاده، محمدجواد و کاظمی، داوود، «بازشناسی نظریه‌ی «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فقه و حقوق اسلامی*، ش ۵۰ (۱۳۹۱).
- ۲۱- عارفعلی، مجید، «هزینه دادرسی مدنی، پیوند حقوق و اقتصاد»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۳۰۹ (۱۳۹۷).
- ۲۲- غمامی، مجید، «جستاری تطبیقی در اوصاف دادرسی مطلوب»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲۷ (۱۴۰۱).
- ۲۳- غمامی، مجید و محسنی، حسن، «اصول تضمین کننده‌ی عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران: ش ۷۴ (۱۳۸۵).
- ۲۴- فضلعلی، محمدهادی، «خسارت دادرسی (بررسی تحولات قوانین و رویه قضایی)»، *قضاوت*، ش ۲۴ (۱۳۸۳).
- ۲۵- مشهدی، علی، «مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعوی اداری، مورد پژوهی دیوان عدالت اداری»، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۹ (۱۳۹۷).
- ۲۶- یمرلی، صالح و کریمی، عباس، «مطالعه تطبیقی قواعد جبران خسارت دادرسی مدنی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا»، *مرکز مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱۰۷ (۱۳۹۶).



## - پایان نامه

۲۷-السان، مصطفی، *اصول دادرسی منصفانه مدنی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کامن لا)*، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.

## (ب) منابع انگلیسی

- 28- Elliot, Catherine & Frances, Quinn, *English Legal system*, (London: Longman, 3ed Ed, 2000).
- 29- Fletcher, George P., *Corrective Justice for Moderns*, (Harvard Law Review, 1993).
- 30- Grainger, Lan & Michael, Fealy and Martin, Spencer, *The Civil Procedure Rules In Action*, (London & Sydney, Cavendish Publishing Limited, second edition, 2000).
- 31- Koopmans, Tim, *Courts and Political Institutions: A Comparative View*, (Cambridge. University Press, 2003).
- 32- Lewis, Richard, "Litigation Costs and Before-the-Event Insurance: the Key to Access to Justice", *Modern Law*, Vol. 74 (2011).
- 33- Maxeiner, James R., "Cost and Fee Allocation in Civil Procedure", *American Journal of Comparative Law*, University Of Baltimore-School of Law, Vol. 158 (2010).
- 34- Rose, Wiliam, Rose and Stuart SIME and Contributors, *Blackstone's Civil Practice*, (Oxford University Press, 2005).
- 35- Shavell, Steven, "Suit, Settlement, and Trial, a Theoretical Analysis under Alternative Methods for the Allocation of Legal Costs", *Journal Economic and law*, In Harvard Law School (2007).
- 36- Shavell, Steven, "The Fundamental Divergence between the Private and Social Motive to Use the Legal System", *in Journal of Gal Studies.by the University of Chicago* (1997).
- 37- Harry Kenneth, Woolf, *Access to Justice Final Report to the Lord Chancellor on the Civil System in England and Wales*, (HMSO, 1996).